

خپلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۲۹ اکتوبر ۲۰۲۴

دکتور نوراحمد خالدی

نقدی مستند پر
کتاب خالق لعلزاد
"در گستره جغرافیا
و تاریخ افغان و
افغانستان"

با طلوع آفتاب حقایق تاریخی،
عمارات برفی جعل و تحریف
خالق لعلزاد آب میشوند

دوکتور
نوراحمد
خالدی

نقدی مستند بر کتاب خالق لعلزاد "در گستره تاریخ و جغرافیای افغان و افغانستان"



دوکتور نوراحمد خالدی

۲۰ اکتوبر ۲۰۲۴

... پیوسته به گذشته

قسمت دوم

○ افزود بر آنچه در نقشه ها نشان داده شده مفاهیم و مقوله های "دولت- ملت" و "کشور- مرز" که حالا با آنها عادت کرده ایم از نگاه تاریخی در قرن ۱۹ بوجود آمده اند و "تعیین مرزهای افغانستان" به عنوان یک "کشور" یکی از نخستین ها است. در حالی که قلمرو افغانستان کنونی در درازای ۲۵۰۰ سال هرگز "نام واحدی" نداشته... زیر اداره یک یا چند امپراتوری کوچک و بزرگ قرار داشته. (ص ۵). در گذشته کشورها نبوده، بلکه امپراتوری ها بوده اند که مرز مشخص نداشتند (در مصاحبه با افغانستان انترنشنل).

○ [تبصره: واضح است که کشورها (کشور- ملت- مرز مشخص) پدیده ایست که از قرن ۱۹ به اینطرف در جهان شکل گرفته، مانند امپراتوری های مغولی، تیموری، بریتانیای کبیر، فرانسه، روسیه تزاری، فارس هخامنشی، امپراتوری موری و گوپتا در هندوستان، ترکیه عثمانی، امپراتوری هوتکی و امپراتوری ابدالی مثال های آن اند که به کشورهای امروزی مغولستان، ازبکستان، انگلستان، فرانسه، روسیه، ایران، هندوستان، ترکیه تبدیل شده اند. ناگزیر این پروسه تکاملی شامل تاریخ کشور امروزی افغانستان نیز می باشند! چرا باید آقای لعلزاد افغانستان را از این امر مستثنی کرده سابقه تاریخی این قلمرو و مردم آنرا نادیده بگیرد؟]

○ مگر این عمق وطن ستیزی این نویسنده را از بنیاد قوم گرایی نشان نمیدهد؟ آیا این بخاطر این نیست که به نظر او چون پشتونها قوم حاکم بوده اند، بنابر آن آنها حق ندارند مانند سایر ممالک جهان باشند؟]

○ جالب است که واژه "افغانستان" در دواوین هیچ یک از شاعران زبان پشتو/افغانی سده های ۱۶-۱۷ وجود ندارد و آنها وطن خود را به غرور "روه یا پشتونخواه" نامیده اند. این بیت منسوب به احمد شاه ابدالی/درانی نیز شاهد مدعاست:

د دهلی تخت هیرومه چی را یاد کرم - ز ما دخلی پشتونخواه د غرو سرونه (ص ۱۳۲۲).

قبل از لعلزاد، یکی از اشخاصیکه در بررسی تاریخ افغانستان از پس منظر ناسیونالیزم ایرانی عمل میکند، شخصی بنام مجیب الرحمان رحیمی است که از سال ۲۰۱۳ به اینطرف به حیث سخنگوی عبدالله عبداللہ ایفای وظیفه مینمود. مجیب رحیمی ادعا می کند که رقابت امپراتوری انگلستان و روسیه منجر به ایجاد دولت حایلی می شود که اسمش را گذاشتند افغانستان.

ششم- اسم افغانستان در آثار بزرگترین دانشمندان جهان

افغانستان به عنوان یک دولت مستقل مقتدر از اوایل قرن هژده هم به بعد معروف و مشهور بوده و بزرگترین دانشمندان آن عصر به موجودیت آن اشاره کرده اند.

سفرنامه فورستر (۱۷۹۸م) که مؤلف آن در ۱۷۸۳م (دوران تیمورشاه درانی) از پشاور، کابل، قندهار و هرات عبور میکند... اسم افغانستان را در سفرنامه خود بیش از ۲۰ بار ذکر میکند. او بر اساس چشم دید خود افغانها را صاحبان قلمروهای از کوههای تاتاری^۱ تا رود اندوس، خلیج کومبای و تا محدوده پارس نشان داده است. او میگوید با آنکه در بعضی قصه های ما مردم افغانستان را در زمره تاتارها (ترکتبارها) قلمداد کرده اند، اما تاجاییکه من مشاهده کردم افغانها هیچ شباهتی با تاتارها ندارند.

این سفرنامه بنیاد معلومات عمومی در باره افغان و افغانستان در میان کمپنی هند شرقی را تشکیل داده است. در این سفرنامه بارها نامهای افغان و افغانستان در صفحات متعدد آن نوشته شده اند:

other hill. From the peak, a stone wall extends over the summits of the two hills, and is terminated at the bottom of the wester-moat by an ordinary redoubt.

THE Afghans are the indigenous possessors of a tract of country, which stretches from the mountains of Tartary to certain parts of the gulf of Cambay and Persia; and from the Indus to the confines of Persia. The inhabitants of this wide domain, have no written character and speak a language peculiar to themselves. They are a robust, hardy race of men, and being generally addicted to a state of predatory warfare, their manners largely partake of a barbarous insolence, and they avow a fixed contempt for the occupations of civil life. Though in some of our histories of Asia, the natives of Afghanistan are denominated Tartars, I am prompted to say, that they bear no resemblance to those people, either in their persons, manners, or language.

^۱ با آنکه در سفرنامه خود فورستر و در نقشه ضمیمه در کتاب او از موقعیت کوههای تاتاری حرفی نمی زند، اما لعلزاد آنرا با تزویر کوههای هندوکش معرفی میکند! (لعلزاد، ص ۱۲۷۰).

CERTAIN territories of Afghanistan, were conquered in the ninth century by the khans of Bochara, of the Samani race, and annexed to the Tartar principality of Khorafan, from whence a subordinate chief was deputed to govern at Guizni. But it does not appear that the northern quarter of the country was subdued until the reign of Mahmoud,* the second prince of the Giznavi dynasty, who completed the conquest of Afghanistan. No substantial tradition of the Afghans or the state of their country is

* He reigned in the eleventh century

found

P87 THE Afghan government, when viewed as standing on a general basis of despotism, and compared with that of other Asiatic states, is not pregnant with injustice or cruelty. Its edicts are seldom

P 131

In the division of Khorafan, subject to the Afghan empire, the Persians enjoy a fair portion of civil and religious liberty, and are rarely treated with insults.

74 FORSTER'S TRAVELS.

other hill. From the peak, a stone wall extends over the summits of the two hills, and is terminated at the bottom of the westernmost by an ordinary redoubt.

THE Afghans are the indigenous possessors of a tract of country, which stretches from the mountains of Tartary to certain parts of the gulf of Cambay and Persia; and from the Indus to the confines of Persia. The inhabitants of this wide domain,

territory. At this day he retains, on the east side of the Indus, the principality of Kashmire, the district of Attock, with some scattered divisions of Moultan, including the city and the territory of Scind. Yet Timur Shah derives but few real advantages from

V2-P83

FORSTER'S TRAVELS.

85

EXCLUSIVE of his Afghan and Indian dominions, Timur Shah is possessed of a large division of Khorafan, which taking in the city of Herat, extends on the north to the vicinity of Nishabor and Turshish, and on the south to the lesser Irak.

A POWERFUL sect of Afghans, denominated Abdali, encouraged by the distracted state of Persia, had seized on Herat,* a large fortified city in Khorasan, and were preparing to reduce the province, when they were encountered by Nadir, who totally routed their army; fifteen thousand, it is said, being killed and wounded, and five thousand made prisoners. Having recovered the territories, which the Turks and Russians had dismembered from Persia during the weak reign of Huseyn, and expelled the Afghans, Nadir Shah deposed Thamas, and entering Afghanistan in the year 1737 with a large army, laid siege to the strong fortress of Kandahar, which was at that time held by Huseyn Khan, an independent Afghan chief. The exertions of this officer, aided by the natural advantages of his situation, detained the Persian in the vicinity of Kandahar, for the space of eighteen months. At the surrender of the fortress and other adjacent strong holds, Nadir made so temperate a use of his victory, that about four thousand Afghans, commanded by two of the officers of Huseyn, were induced to join his army; and it is mentioned that these troops, during the Indian expedition, rendered him essential service.

In the annals of that period, I have made diligent search for the name of Abdali Ahmed Khan, the founder of the modern empire of Afghanistan; but I have not been able to procure any accurate information of his origin or military progress, until he

* Supposed to be Aria of the ancients.

در فرهنگ جغرافیایی بروکس (۱۸۰۷م) در چاپ بار نخست کتابش (۱۸۰۷م) ، افغانستان را مملکتی دانسته که در میان کوههای تاتار، بحیره عرب، اندوس و پارس قرار دارد... فرهنگ جغرافیایی بروکس ۱۸۶۲م ...حد اقل ۱۸ بار تجدید چاپ شده است. ...احمد ابدالی را بنیانگذار پادشاهی ابدالی و متعلقات او را ممالک ابدالی خوانده است. آیا میتوان انتظار داشت که در سال ۱۷۴۷م احمدشاه ابدالی کشور خود را افغانستان نام گذاری کند؟ واضح است که چنین توقعی بیجا خواهد بود اما تصادفی نیست که در زمان پسرش تیمورشاه این سرزمین بطور طبیعی نظر به هویت دولت و کثرت نفوس قوم حاکمان آن بنام افغانستان معروف گردید. حتی پدر سردار پاینده خان بارکزیایی که بازماندگان او تا سال ۱۹۷۸م بر این سرزمین حکومت کردند اولین کسی بود که به احمد شاه ابدالی در جرگه شیر سرخ بیعت نمود و او را به پادشاهی قبول کرد. مزید بر آن حتی امروز طالبان خود را وارثان طبیعی احمدشاه ابدالی میدانند. اما آقای لعلزاد ادعا دارد که نظر به فورمول دولت سازی خود ساخته او، افغانستان در سال ۱۹۱۹ توسط امان الله خان تشکیل شده است!

هفتم- تغییر اسم فارسی به زبان دری

هشتم- موجودیت واحد سیاسی بنام افغانستان در منطقه

۱- لعلزاد مدعی است که واحد سیاسی بنام افغانستان پیش از عبدالرحمن/امان الله در تاریخ سیاسی جهان وجود ندارد، اما برای آن تاریخ چند هزار ساله ساخته اند... زیرا جغرافیای این کشور در زمان عبدالرحمن خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱) شکل گرفته و استقلال آن در زمان امان الله (۱۹۱۹) اعلان شده است! (لعلزاد، ص ۲)^۲

ایجاد و دوام کشور و دولت افغانستان از قرن هژده هم به اینطرف با هویت مستقل افغانی آن در سطح جهانی و در صدها کتاب معتبر تاریخی به قلم بزرگترین جهان گردان، سیاسیون، دانشمندان، دیپلماتها، جغرافیه دانان معروف عالم مسجل گردیده است. این معروفیت به حدی است، که در جهان امروز به سختی فردی تعلیم یافته و با اطلاعی را میتوان یافت که از افغانستان به عنوان "گورستان امپراتوری ها" بی خبر باشد. در حالیکه در این گورستان امپراتوری های، صفوی، افشاری، مغولی، انگلیسی، روسی و بالاخره امریکائی خوابیده اند، اما آقای لعلزاد کدام واحد سیاسی بنام افغانستان را قیل از امیر عبدالرحمن خان قبول ندارد! بیائید ببینیم استدلال لعلزاد چیست؟

او می نویسد: "جغرافیای این کشور در زمان عبدالرحمن خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱م) شکل گرفته و استقلال آن در زمان امان الله (۱۹۱۹م) اعلان شده است!" (ص ۲) اگر این منطق را قبول کنیم پس تاریخ کشور ترکیه بعد از جنگ جهانی اول آغاز گردیده و تاریخ ترکیه عثمانی شامل آن نیست! مطابق این منطق تاریخ هندوستان از سال ۱۹۴۷م با استقلال هند از برتانیه آغاز میشود و تاریخ شش هزار ساله شبه قاره هند به مملکت هندوستان امروزی ارتباطی ندارد. تاریخ آلمان به بعد از جنگ جهانی دوم بر می گردد و تاریخ سریلانکا از سال ۱۹۸۲م آغاز میشود که اسم آن از سیلون به سریلانکا عوض شد. جغرافیای امروزی ایران نیز بعد از دست دادن قلمروهای قفقاز به روسها و معاهده سرحدی ۱۸۷۲م سیستان در قرن نژده هم شکل گرفته و اسم آن هم در سال ۱۹۳۵م از فارس به ایران عوض شده بنابراین تاریخ فارس باستانی مربوط به ایران امروزی نیست! کاملاً واضح است، که این نوع برداشت از تاریخ کشورها با واقعیتها مطابق نمی باشد و صرف توسط اشخاصی مانند لعلزاد برای تحریف و جعل کردن تاریخ افغانستان و مغشوش کردن عقاید تاجیکها در راستای اهداف توسعه طلبی ایران بزرگ بکار گرفته میشود. ایران پرستان وطنی، از جمله خالق لعلزاد، به سلسله کوشش برای تخریب تاریخ این کشور افغانستان را از امیر عبدالرحمن خان به بعد بیان می کنند. چرا؟

برای اینکه اگر تاریخ افغانستان را از زمان میرویس خان هوتکی و یا احمد شاه ابدالی قبول کنند، طوریکه مؤرخ مشهور انگلیسی جان اتان لی بیان می کند،^۳ در آنصورت نمی توانند بگویند دولت و کشور افغانستان را استعمار انگلستان از پیکر ایران جدا ساخته است! برای آن که در سال ۱۷۰۹م در زمان قیام موفقانه میرویس خان هوتکی بر ضد صفویها و در سال ۱۷۴۷م زمانی که احمد شاه ابدالی کشور و دولت مستقل را در این سرزمین اعلان کرد، هنوز استعمار انگلیس در هندوستان شکل نگرفته بود.

افغانستان به عنوان یک دولت مستقل مقتدر از اوایل قرن هژده هم به بعد معروف و مشهور بوده و بزرگترین دانشمندان آن عصر به موجودیت آن اشاره کرده اند. سفرنامه فورستر (۱۷۹۸م) که مؤلف آن در ۱۷۸۳م (دوران تیمورشاه درانی) از پشاور، کابل، قندهار و هرات عبور میکند... اسم افغانستان را در سفرنامه خود بیش از ۲۰ بار ذکر میکند. او با آنکه حدود افغانستان را ذکر نمیکند، اما بر اساس چشم دید خود افغانها را باشندگان قلمروهای از کوههای تاتاری^۴ تا رود اندوس و محدوده پارس... نشان داده است. این سفرنامه بنیاد معلومات عمومی در باره افغان و افغانستان در میان کمپنی هند شرقی را تشکیل داده است.

در فرهنگ جغرافیایی بروکس (۱۸۰۷م)... احمد ابدالی را بنیانگذار پادشاهی ابدالی و متعلقات او را ممالک ابدالی خوانده است. بروکس در چاپ بار نخست (۱۸۰۷م) کتابش، افغانستان را مملکتی دانسته که در میان کوههای تاتار، بحیره عرب، اندوس و پارس قرار دارد... فرهنگ جغرافیایی بروکس ۱۸۶۲م... حد اقل ۱۸ بار تجدید چاپ شده است.

^۲ خالق لعلزاد، پژوهشی در گستره تاریخ و جغرافیای افغان و افغانستان، لندن، ماه می ۲۰۲۴ (با استفاده از کاپی پی دی اف کتاب که توسط نویسنده در دسترس قرار گرفته است).

^۳ جان اتان لی، تاریخ افغانستان از سال ۱۲۶۰ تا امروز، لندن ۲۰۱۸، ۲۰۲۲.

^۴ با آنکه در سفرنامه خود فورستر و در نقشه ضمیمه در کتاب او از موقعیت کوههای تاتاری حرفی نمی زند، اما لعلزاد آنرا با تزویر کوههای هندوکش معرفی میکند! (لعلزاد، ص ۱۲۷۰).

الفونستون در گزارش سلطنت کابل و متعلقات آن در پارس، تاتار و هند (۱۸۱۵م) که در ۱۸۰۹م با شاه شجاع الملک به نام «شاه کابل» (بزرگ) معاهده امضاء میکند و «متعلقات سلطنت کابل» را افغانستان و سیستان و بخشی از خراسان و مکران، بلخ و تخارستان، کیلان، کتور، کابل، قندهار، سند، کشمیر، بخشی از لاهور و بخش بزرگ ملتان می گوید و وقتی او نام افغانستان را جدا از کابل و قندهار یاد میکند منظور او همان "نوار کوه سلیمان" یا "زه" است. او می گوید هرات با آنکه شامل قلمرو درانی است، اما حالا تقریباً مستقل بوده و باید «جداگانه» معامله شود. اما او تمام این قلمرو را افغانستان مینامد. الفونستون مینویسد «...سلطنت کابل در حال حاضر از هرات در غرب در طول البلد ۶۲ درجه تا سرحد شرقی کشمیر در طول البلد ۷۷ درجه شرق و از دهنه دریای سند در عرض البلد ۲۴ درجه تا در یای آمو در عرض البلد ۳۷ درجه شمالی موقعیت دارد.» (الفونستون کتاب گزارش سلطنت کابل به انگلیسی جلد اول ص ۱۱۳، چاپ سال ۱۸۳۹ لندن). همچنان الفونستون می نویسد «...تمام افغانستان در غرب سلسله کوههای سلیمان یک سرزمین هموار میز- مانند است، که بلندتر از تمام ممالک همسایه قرار دارد.» (همانجا ص ۱۲۴). الفونستون همچنان می نویسد «منشأ اسم افغان، که حالا بالای تمام ملت تعمیم یافته است،...کاملاً واضح نیست، اما احتمالاً مدرن (نو) است. برای خود افغانها توسط زبان فارسی معرفی شده است. اسم خودشان برای ملت شان پشتون با جمع پشتانه می باشد.° بیردرانها این اسم را پختانه تلفظ میکنند، که احتمالاً اسم پتان که افغانها را در هندوستان میشناسند، از آن گرفته شده است. عربها آنها را سلیمانی یاد میکنند... آنها کدام اسم یک اسم عمومی برای مملکت شان ندارند، اما بعضاً اسم فارسی افغانستان را بکار می برند. داکتر لیدن به اسم پختونخواه اشاره کرده اما من هرگز نشنیده ام... اسمی که بسیار عمومی تر توسط باشندگان برای تمام کشور استفاده میشود، خراسان است، اما این بکار گیری واضحاً نادرست است، زیرا از یکطرف تمام کشور افغان در حدود خراسان واقع نشده و از جانب دیگر در یک بخش قابل ملاحظه آن ولایت افغانها سکونت ندارند.» (الفونستون، همانجا ص ۲۰۰-۲۰۱) در تاریخ سیاسی هند، ملکم (۱۸۱۱م) در مورد پیشروی زمان شاه تا لاهور (در سال ۱۷۹۶م) ... نگرانی شدید انگلیسها و فرستادن ملکوم بدربار شاه پارس تشویق پارس بر تهاجم به افغانستان و انحراف/تهدید توجه زمانشاه به هند میگردد.

در کتاب فرهنگ جغرافیایی هند شرقی، همیلتون (۱۸۱۵م) ...معلومات جامعی زیر عنوان «افغانستان» ارایه نموده است. همیلتون پس از ذکر نام «افغانستان» توسط بروکس در فرهنگ جغرافیایی ۱۸۰۷م ... دومین کسی است، که حدود افغانستان بزرگ را به گونه دقیقتر ذکر کرده است... (این مطلب را لعلزاد نیز در کتاب خود تأیید کرده است. ص ۱۷۷۲)

در تاریخ پارس ملکم (۱۸۱۵م) ... بار نخست «کابل بزرگ» را در نقشه کینر [به استناد الفونستون] نشان داده که در برگزیده کابل، قندهار تا گستره هرات/خراسان است. سفرنامه دورویل (۱۸۱۹م) مطالبی در مورد خراسان، افغانها و حکومت فیروزخان در هرات دارد و او میگوید، که هرات ملکیت شاه کابل است.

چارلز ماسون اثر ارزشمند چهار جلدی دارد، زیر عنوان «گزارش سفرهای متعدد در بلوچستان، افغانستان و قلات» ۱۸۴۲م، که در لندن به نشر رسیده و اسم افغانستان در عنوان و متن آن مسجل است.

ویلیام کی در کتاب زندگی و مذاکرات ملکم Malcom (۱۸۵۶م) درباره تهدید زمانشاه بر هند... فرستادن ملکم به پارس، نقش مهدی علی خان، حملات محمود به تحریک پارس و از میان رفتن تهدید زمان شاه و سقوط او! به تفصیل می نویسد، که نشان میدهد تا چه حد انگلیسها از دولت زمانشاه در ترس و هراس بودند و چون خود در انزمان قادر به مقابله با آن نبودند و با چه دسیسه هایی با ترغیب ایرانیها برای حمله بر افغانستان از غرب به تخریب آن پرداختند. در سفرنامه فیبر (زیر عنوان «سفر کاروانی و آواره گی در پارس، افغانستان و بلوچستان» ۱۸۵۶م، لندن) با آنکه در نقشه اش افغانستان شامل کابل و قندهار تا فراه است، میگوید که «افغانستان واقعی» باید متشکل از ولایت های کابل، قندهار و هرات باشد. این مطلب را لعلزاد نیز در کتاب خود تأیید کرده است. (لعلزاد، ص ۱۳۴۲).

فیبر در کتاب «تاریخ افغانها» (۱۸۵۸م) ابدالی ها را عمدتاً باشندگان هرات - قندهار و غلزی ها را عمدتاً باشندگان کابل- قندهار می گوید. او ارقام نفوس ولایت های هرات، قندهار و کابل را در جمله نفوس افغانستان ذکر نموده افزوده است، که افغانستان به اندازه سرداران خود حکومتهاست مستقل دارد.

مارکس در مورد معاهده پاریس (۱۸۵۷م) دولت افغانستان را معادل دولت پان-اسلاو تعریف میکند. فریدریک انگلس در مقاله افغانستان (۱۸۵۷م) خود می گوید، که افغانستان در شمال غرب هند قرار دارد. بنابر آن افغانستان به عنوان یک دولت مقتدر در اواسط قرن نوزده هم معروف و مشهور بوده و بزرگترین دانشمندان آن عصر به موجودیت آن اشاره کرده اند.

برای روشن کردن اینکه چگونه و در چه زمانی اسم کشور و دولت افغانستان در مطبوعات سیاسی جهان انعکاس

° باید توجه داشت که الفونستون، مانند اکثر نویسندگان غربی هم عصر خود اصطلاح ملت را به عوض قوم بکار میبرد. خالدی.

یافت در ذیل کرونولوژی مختصر تعمیم اسم افغانستان را ارائه میکنیم:

- در سال ۱۷۸۲م در زمان سلطنت تیمورشاه جورج فورستر حین عبور از افغانستان از کشور و ملت افغانستان نام می‌برد. (جورج فورستر، مسافرت از بنگال به انگلستان از طریق شمال هندوستان، افغانستان، فارس و روسیه، چاپ لندن، ۱۷۸۹م).
- در سال ۱۷۸۹م حاجی ابراهیم وزیر اعظم دولت قاجار در مکتوب رسمی از کشور افغانستان نام می‌برد. (صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر).
- در سال ۱۷۸۹م وفادار خان وزیر اعظم زمان شاه در مکتوب رسمی به پاسخ وزیر اعظم قاجار از کشور افغانستان نام می‌برد. (صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر).
- در سال ۱۸۸۰م در معاهده دولت قاجار با انگلیس‌ها از دولت افغانستان بطور رسمی در یک معاهده میان دو دولت نام گرفته میشود. (محمود محمود، تاریخ روابط انگلیس با ایران در قرن نوزدهم).
- در سال ۱۸۰۹م الفنتون به دولت افغانستان به حیث سفیر کمپنی هند شرقی آمده نام آنرا «افغانستان» می‌نویسد و یک معاهده رسمی با پادشاه آن امضا میکند (مونتستوارت الفنتون، گزارش سلطنت کابل و قلمروهای تابعه آن در فارس، کشمیر و تاتاری، چاپ لندن ۱۸۴۲م).
- در سال ۱۸۳۷م شاه قاجاری در هنگام عزیمت بعد از شکست محاصره هرات در منشور خود از افغانستان نام می‌برد. (محمود محمود، تاریخ روابط انگلیس با ایران در قرن نوزدهم).
- در سال ۱۸۳۸م وایسرای هند برتانوی قبل از شروع جنگ اول افغان و انگلیس از کشور و دولت افغانستان نام می‌برد. (صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر)
- در ماده ششم معاهده ۴ مارچ ۱۸۵۷م پاریس میان انگلیسها و ایرانیها گفته میشود که «...اعلیحضرت همچنان تعهد میکند، که منبهد از هرگونه مداخله در امور داخلی افغانستان خودداری نماید.» (صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ۱۳۵۸ چاپ نوزدهم، تهران. ص ۳۴۲). این سند تائید میکند، که ادعای ایجاد دولت افغانستان به حیث یک واحد سیاسی مستقل با رویکار آمدن امیر عبدالرحمن خان کاملاً بی اعتبار بوده و ایرانی ها ۲۳ سال قبل از آن موجودیت دولت مستقل افغانستان را قبول کرده بودند.

نهم- قدامت تاریخ سرزمین و مردم افغانستان چگونه است؟

ختم قسمت دوم

ادامه دارد...